



اثبات یکی از بدیهیات شاهنامه شناسی

پدیدآورده (ها) : آیدنلو، سجاد
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: کتاب ماه ادبیات :: بهمن 1392 - شماره 82
از 7 تا 10
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1014519>

دانلود شده توسط : مهدی ابراهیمی
تاریخ دانلود : 03/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



اثبات یکی از بدیهیات شاهنامه شناسی

دکتر سجاد آیدنلو*

نه تنها دلیل روشن و استواری برای اثبات علایق دینی و مذهبی فردوسی است بلکه به عقیده نگارنده یکی از زیباترین بیت‌های مدح شکوهمند امام علی (ع) در شعر فارسی نیز هست. به سبب همین صراحت و صلابت، چندی است که در برخی انجمن‌های شاهنامه‌خوانی و محافل دوستانه دیدگاهی طرح، تکرار و ترویج می‌شود که بیت مذکور الحاقی است و سروده فردوسی نیست که بتواند مستند مسلمانان و تشیع او باشد. این نظر که شاید در سخن بعضی از فردوسی‌دوستان در برنامه‌های تلویزیونی شبکه‌های ماهواره‌ای یا پایگاه‌ها و وبلاگ‌های اینترنتی هم باز گفته می‌شود، ظاهراً به معدودی از جلسات علمی نیز راه یافته است و هنگامی که نگارنده آن را از زبان یکی از شاهنامه‌دوستان اصفهانی به نقل از یکی از محققان نامدار شنید، بر آن شد که در یادداشتی درباره آن بحث کند تا علاقه‌مندانی که خواهان آشنایی علمی و درست با فردوسی و شاهنامه هستند از واقعیت موضوع آگاه شوند.

الحاقی پنداشتن بیت (بر این زادم و هم بر این بگذرم/ چنان دان...) یا تغییر ضبط و قرائت آن، محدود به گفتگوهای شفاهی و محفلی نیست و تا جایی که نگارنده بررسی کرده گویا اولین بار در طبع نخست شاهنامه معروف به چاپ مسکو، بیت درون قلاب تردید در اصالت گذاشته شده است (ر. ک. فردوسی، ۱۳۷۴: ۱/ ۲۰/ ۱۱۲).^۲ سپس شادروان دکتر رکن‌الدین همایون فرخ ضمن الحاقی انگاشتن چند بیت مربوط به تشیع فردوسی در مقدمه شاهنامه، این بیت را هم از ملحقات دیگران بر سروده‌های شاعر دانسته‌اند (ر. ک. همایون فرخ، ۱۳۷۷: ۲/ ۱۰۶۰-۱۰۶۳). بعد از ایشان یکی از پژوهشگران در ویرایش تازه‌ای که از دیباچه شاهنامه عرضه کرده و با تغییرات و توضیحات خود خواسته‌اند فردوسی را شاعری زرتشتی بنمایانند، مصراع دوم بیت را بی هیچ پشتوانه‌ای در نسخ

موضوع مشترکی که در تلقی برخی از گذشتگان و امروزیان از شخصیت فردوسی وجود دارد کوشش برای معرفی کردن او به عنوان شاعری نامسلمان و غیرشیعی است. در گزارش‌ها و افسانه‌های سرگذشت حکیم توس می‌خوانیم که شیخی به نام ابوالقاسم بر پیکر فردوسی نماز نمی‌گزارد، زیرا معتقد است او عمر خود را صرف مدح مجوس کرده و بی خبر مرده^۱ و شخصی به نام آشوب هندی (درگذشته ۱۱۹۹ ه. ق.) در مقدمه مثنوی فتوحات شامش، فردوسی را «مغ مغ نسب»، «گبر آتش پرست» و «ز اسلام بیگانه با کفر خویش» می‌خواند. (برای ملاحظه ابیات او، ر. ک. ریاحی، ۱۳۷۲: ۴۶۴-۴۶۶). در روزگار ما هم شماری از دوستداران فردوسی می‌خواهند او را نامسلمان و غیرشیعه بپندارند تا به زعم خویش آفریننده حماسه ملی ایران از اعتقاد به دین و مذهبی که خاستگاه آن سرزمین اعراب است، مبرا باشد. تفاوت جالب در تهمت و نسبت نامسلمانان و شیعه بودن به فردوسی در تاریخ فرهنگی ایران این است که در گذشته این اتهام از سوی مخالفان متعصب شاعر بر او وارد شده است و امروز، علاقه‌مندان سینه‌چاک شاهنامه می‌کوشند فردوسی را این‌گونه معرفی کنند.

استدلال‌های مکتوب و شفاهی هر دو دسته از موافقان و مخالفان فردوسی درباره این پسند و تصور مشترکشان، در جای خود قابل بررسی و پاسخ‌گویی است اما آنچه در این یادداشت بدان خواهیم پرداخت اجتهاد غیر علمی بعضی از این «موافقان و دوستداران» در رد و انکار یکی از مسائل بدیهی متن شناسی شاهنامه است. در دیباچه شاهنامه، بیت بر این زادم و هم بر این بگذرم

چنان دان که خاک پی حیدرم
(فردوسی، ۱۳۸۶ الف: ۱/ ۱۱/ ۱۰۴)

«یقین» به جای «چنان» و حاشیه‌ی ظفرنامه هم هست (به ترتیب، ر. ک. فردوسی، ۱۳۸۹: ص ۱/۸۴۸۸؛ مستوفی، ۱۳۷۷: ۱/۱۲) و تنها در نسخه‌ی سعدلو (احتمالاً از قرن هشتم) (ر. ک. فردوسی، ۱۳۷۹: ۸) و یکی از دست‌نویس‌های بنیاد شاهنامه سابق با مشخصات (Paris. Supple persan 489) در محل مربوط دیده نمی‌شود. همه‌ی چاپ‌های معتبر و نیمه‌معتبر شاهنامه نیز غیر از برخی چاپ‌های سنگی (برای نمونه، ر. ک. فردوسی، بی‌تا: ۱۹؛ همو، ۱۳۸۰: ۱/۳) این بیت را دارند. در تصحیح علمی-انتقادی، بی‌تی را که تقریباً در همه‌ی نسخ معتبر یک متن هست، نمی‌توان الحاقی و سروده‌ی کسی غیر از صاحب اصلی اثر دانست.

۲. سبک بیت کاملاً و دقیقاً مطابق با شیوه‌ی سخن فردوسی است و افزون بر شکوه حماسی بیان آن، تقریباً همه‌ی لغات و ترکیباتش نیز در جاهای دیگر شاهنامه شاهد/شواهد کاربرد دارد که در اینجا نمونه‌هایی ذکر می‌شود.

• بر این... (بر چیزی تصمیم داشتن و در اندیشه‌ی آن بودن) بر این برنهادند و برخاستند

ز بهر شیخون بیاراستند
(فردوسی، ۱۳۸۶ الف: ۴/۲۷۴/۱۶۰۶)

• گذشتن (در معنای مردن) و گز بگذرد کم بود درد او

که فرزند بیند رخ زرد او
(همان: ۷/۴۱۸/۴۰۳۲)

• چنان دان که

چنان دان که رودابه را پور سام

نهانی نهاده است هر گونه دام
(همان: ۱/۲۱۷/۷۸۳)

• خاک پای کسی بودن

همه سر به سر خاک پای تویم

به دانش همه رهنمای تویم
(همان: ۶/۳۶۶/۷۲)

• **حیدر:** لقب عربی حضرت علی(ع) است و چون در شاهنامه نام‌ها، القاب و صفات عربی در کنار واژه‌های تازی مکرر به کار رفته است، استعمال آن مغایر با سبک فردوسی نیست.

۳. موضوع بیت با اندیشه و نگرش فردوسی سازگار است و حکیم توس غیر از این بیت دیباچه، در آغاز داستان کین سیاوخش هم در بی‌تی اصیل، تشیع خویش و امیدواریش به شفاعت امام علی(ع) را در روز قیامت تصریح کرده است:

شاهنامه به صورت «چنان دان که خاک کف این دَرَم» ویراسته‌اند (ر. ک. عطایی‌فرد، ۱۳۸۷: ۱۰۱). تا واژه «حیدر» از آن حذف شود. استاد مهدی قریب در ویرایش دو جلدیشان از شاهنامه بیت را با نشانه‌ی الحاقی بودن مشخص کرده‌اند (ر. ک. فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۵/۱۱۱) و سرانجام آقای فریدون جنیدی که در چاپ خویش بیشتر ابیات شاهنامه را افزوده‌ی دیگران دانسته‌اند، این بیت را نیز الحاقی شمرده و در توضیح نوشته‌اند که بر آن هیچ ایرادی نمی‌توان گرفت ولی چون پیوسته به بیت‌هایی است که به نظر ایشان برافزوده است ناگزیر باید آن را هم الحاقی دانست (ر. ک. فردوسی، ۱۳۸۷: ۱/۲۴/۱۱۱ و زیرنویس ۴).

بیت مورد بحث در بخش «گفتار اندر ستایش پیغمبر» در دیباچه شاهنامه است و این قسمت به دلیل موضوع آن همواره محل دستبردهای عقیدتی و فکری کاتبان و خوانندگان شاهنامه بوده و در طول زمان بیت‌هایی از سوی شیعیان و سنیان بر آن افزوده شده است^۱ اما کلیت موضوع دخل و تصرف در این بخش و بودن ابیاتی افزوده در آن هرگز مبنای علمی و منطقی الحاقی یا اشفته دانستن همه‌ی بیت‌های این گفتار چنان‌که مثلاً در ویرایش آقای جنیدی می‌بینیم- نیست و برای دآوری درباره‌ی اصلی یا افزوده بودن بی‌تی/ابیاتی در شاهنامه - و هر متن دیگر- دست کم باید به سه معیار اصلی توجه داشت: ۱. وضعیت بیت در نسخه‌های کهن و معتبر شاهنامه و دیگر منابع جینی و فرعی تصحیح این متن ۲. موافقت یا مغایرت لغات، ترکیبات، بلاغت و نحو بیت با سبک فردوسی در سایر بیت‌های شاهنامه ۳. هم‌خوانی یا ناسازگاری اندیشه‌ی مذکور در بیت با جهان‌بینی مذهبی، کلامی و فکری فردوسی.^۲

بر این اساس برای نتیجه‌گیری علمی و روشمندانانه درباره‌ی اصالت یا افزودگی بیت (بر این زادم و...) آن را مطابق با این سه ضابطه متن شناختی بررسی می‌کنیم. ۱. به استناد نسخه بدل‌های شاهنامه تصحیح دکتر خالقی مطلق و ویرایش نهایی چاپ مسکو این بیت در پانزده دست‌نویس پایه کار دفتر نخست دکتر خالقی مطلق و نوزده نسخه بهره گرفته شده در آخرین ویراست چاپ مسکو هست^۳ و فقط ضابط یکی دو کلمه آن در بعضی نسخ متفاوت است؛ بدین صورت که «بر این» مصرع نخست در نسخه لیدن (۸۴۰ ه.ق)، «بدین» و «پی» مصرع دوم در دست‌نویس قاهره (۷۹۶ ه.ق)، «کف» و نگاشته مصرع دوم در نسخه قاهره (۷۰۱ یا ۷۱۰ ه.ق)؟ «ثناگوی پیغمبر و حیدرم» است (ر. ک: فردوسی، ۱۳۸۶ الف: ۱/۱۱/۱۱۱ زیرنویس ۵ و ۶؛ همو، ۱۳۹۱: ۱/۲۲۲). بیت در دست‌نویس نویافته سن‌روزف (احتمالاً از اواخر سده هفتم و اوایل قرن هشتم) با ضبط

شاهنامه



بیکرة فردوسی از ابوالحسن صدیقی در میدان فردوسی شهر روم

دیگری برای بودن بیت در دست‌نویس‌های سده ششم شاهنامه و اشتباه آن به نام فردوسی در آن عصر است که نظامی آن را دیده/ شنیده و مورد نظر داشته است.

حاصل سخن اینکه بیت «بر این زادم و هم بر این بگذرم/ چنان دان که خاک بی حیدرم» بر اساس دلایل مذکور و به لحاظ اصول علمی تصحیح، بی‌گمان سروده فردوسی است و این برای کسانی که با فن متن‌شناسی آشنایی دارند از بدیهیات شاهنامه‌شناسی محسوب می‌شود. همچنین به استناد این بیت اصلی و استدلال‌های دیگری که محققان مطرح کرده‌اند هیچ تردیدی در مسلمانی و تشیع فردوسی نیست (در این باره و برای آگاهی از منابع مربوطه، ر. ک. آیدنلو، ۱۳۹۰: ۶۱-۶۴) و اساساً از نظر علمی، عقلی و منطقی هم کمترین تضاد و تپاینی میان این موضوع (مسلمانی و شیعه مذهبی فردوسی) با ملی‌گرایی وی و اهتمامش به نظم تاریخ ملی ایران وجود ندارد (برای بحثی در این باب، ر. ک. همان: ۱۲۷-۱۲۹) مگر اینکه کسانی به طور شخصی و احساسی این واقعیت ثابت شده علمی را به هر دلیل دوست نداشته باشند که آن هم مسئله‌ای است کاملاً فردی/ شخصی و غیر علمی که جز برخی محافل هیجان‌زده و تعصب‌آلود

بدان گیتیم نیز خواهشگر است

که با تیغ تیز است و با منبر است

(همان: ۲/ ۱۳/ ۲۸۰)

علاوه بر این دلایل اصلی، چند قرینه و گواهی فرعی نیز در منابع دیگر هست که اصالت بیت مورد بحث را با قطعیت تمام تأیید می‌کند. از جمله اینکه در *اختیارات شاهنامه* علی بن احمد که در سال (۴۷۴ ه.ق) تدوین شده و یکی از مهم‌ترین مآخذ جنبی تصحیح شاهنامه است، این بیت آمده (ر. ک. علی بن احمد، ۱۳۷۹: ۵۴/ ۲۸۸) و نشان می‌دهد در نسخه/ نسخ موجود از حماسه ملی ایران در اواخر قرن پنجم و حدود هفتاد سال پس از پایان نظم آن، این بیت وجود داشته است. در چهارمقاله هم که تاریخ نگارش آن (سال‌های ۵۵۱ و ۵۵۲ ه.ق) مقدم بر همه دست‌نویس‌های تا امروز شناخته شده شاهنامه است این بیت را می‌یابیم (ر. ک. نظامی عروضی، ۱۳۸۳: ۷۹) که وجود آن را در نسخ سده ششم ثابت می‌کند. با جستجو در جنگ‌های کهن (قرن ۷ و ۸ ه.ق) و گزیده‌های اشعار هم می‌توان بیت (بر این زادم و...) را در منتخبات بعضی از آنها یافت. مثلاً در *مونس الاحرار فی دقایق الاشعار* (تدوین سال ۷۴۱ ه.ق) بیت با ضبط مصراع دوم به صورت «دعاگوی پیغمبر و حیدرم» و در جنگی با نام *مجموعه لطایف و سفینه ظرایف* (نگاشته ۷۶۲-۸۰۴ ه.ق) با همان وجه متداول آمده است (ر. ک. جاجرمی، ۱۳۵۰: ۲/ ۸۴۷؛ *مجموعه لطایف و سفینه ظرایف*: برگ ۴۰۶ ب).

نظامی گنجوی در مقدمه منظومه *سرف‌نامه* (تاریخ نظم بین ۵۹۳ - ۵۹۹ ه.ق) گفته است:

گهرخر چهارند و گوهر چهار

به مهر علی گر چه محکم بیم

ز عشق عمر نیز خالی نیم

همیدون در این چشم روشن دماغ

ابوبکر شمع است و عثمان چراغ

بدان چار سلطان درویش نام

شده چار تکبیر دولت تمام

(نظامی، ۱۳۸۷: ۷۵۲)

احتمال داده‌اند که او در این چهار بیت به شیعه مذهبی فردوسی تعریض زده و به قرینه واژه «پی» در بیت دوم و مصراع «بر این زیستم هم بر این بگذرم» (همان: ۷۵۹) در چند بیت بعد در همان مقدمه، شاید به بیت: بر این زادم و هم بر این بگذرم... توجه داشته است (ر. ک. خالقی مطلق، ۱۳۷۱: ۶۶۳ و ۶۶۴؛ دوستخواه، ۱۳۸۰: ۱۱۶). اگر این گمان درست باشد گواهی فرعی

در هیچ مجمع رسمی علمی خریدار و پذیرنده نخواهد داشت. در گفتگو دربارهٔ فردوسی و شاهنامه هر جا که احساسات، تعصب و پسندهای شخصی، محفلی، قومی / ملی یا دینی-مذهبی را بر سند و استدلال برتر بداریم بزرگترین جفا را بر فرزانهٔ توس و حماسهٔ ملی ایران روا داشته‌ایم. دریغ و افسوس که گویا این مظلومیت از سدهٔ چهارم تا روز رستاخیز در سرنوشت فردوسی و شاهنامه است.

پی‌نوشت

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور اورمیّه

aydenloo@gmail.com

۱. برای کهن‌ترین روایت این ماجرا، ر. ک. عطار، ۱۳۸۶: ۲۲۹ و ۲۳۰/۳۲۲۱-۳۲۰۵.
۲. یادآور می‌شود که در ویرایش‌های دوم و سوم این تصحیح، تردید بر طرف و بیت اصلی دانسته شده است. به ترتیب، ر. ک. فردوسی، ۱۹۷۱: ۱/۹/۱۱۴؛ همو، ۱۳۹۱: ۱/۱۰/۱۱۹.
۳. برای دیدن ابیات الحاقی این بخش و تفکیک آن‌ها از بیت‌های اصلی، ر. ک. خالقی مطلق، ۱۳۷۲: ۱۲۹-۱۳۴؛ همو، ۱۳۹۰ الف: ۳۷۷-۳۸۱.
۴. دربارهٔ دلایل و ضوابط الحاقی شمردن یک روایت در شاهنامه، ر. ک. همو، ۱۳۹۰ ب: ۲۸۵.
۵. این ویرایش زیر نظر استاد مهدی قریب چاپ شده است و با اینکه ایشان بیت مورد بحث را در ویرایش دو جلدی خودشان الحاقی دانسته‌اند در اینجا هیچ اشاره‌ای به این نکته نکرده‌اند.
۶. تصویر بعضی از نسخ بنیاد شاهنامه به لطف و مرحمت دوست دانشمند جناب آقای مهدی رحیم‌پور، پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به دست نگارنده رسیده است. از ایشان بسیار سپاسگزارم.

کتاب‌نامه

- آیدنلو، سجّاد، ۱۳۹۰، دفتر خسروان (برگزیدهٔ شاهنامه). تهران: سخن.
- جاجرمی، محمّدبن‌بدر، ۱۳۵۰، مونس الاحرار فی دقایق الاشعار، به اهتمام میر صالح طیبی، تهران: انجمن آثار ملی.
- خالقی مطلق، جلال، ۱۳۷۱، «کنایهٔ نظامی به مذهب فردوسی»، *ایران‌شناسی*. سال چهارم، شماره ۳، پاییز، صص ۶۶۳-۶۶۴.
- _____، ۱۳۷۲، «معرفی قطعات الحاقی شاهنامه»، *گل رنج‌های کهن*. به کوشش علی دهباشی، تهران: مرکز، صص ۱۲۷-۱۷۰.
- _____، ۱۳۹۰ الف، «هفتاد و یک نکته در ابیات شاهنامه»، *شاهنامه از دست‌نویس تا متن*. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، صص ۳۷۳-۴۱۹.
- _____، ۱۳۹۰ ب، «یادداشت‌هایی در تصحیح انتقادی بر مثال شاهنامه»، *شاهنامه از دست‌نویس تا متن*. همان، صص ۲۶۳-۳۷۱.
- دوستخواه، جلیل، ۱۳۸۰، «رهنمودی دیگر به افزودگی چهار بیت در دیباجهٔ شاهنامه»، *حماسهٔ ایران یادمانی از فراسوی هزاره‌ها*. تهران:

- آگه، صص ۱۱۳-۱۱۹.
- ریاحی، محمّدامین، ۱۳۷۲، *سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی*. تهران: مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- عطار، فریدالدین، ۱۳۸۶؛ *اسرارنامه*. تصحیح دکتر محمّدرضا شفیع‌کدکنی، چاپ دوم، تهران: سخن.
- عطایی فرد، امید، ۱۳۸۷، *دیباجهٔ شاهنامه*. تهران: آشیانهٔ کتاب.
- علی بن احمد، ۱۳۷۹، *اختیارات شاهنامه*. به تصحیح مصطفی جیحونی-محمّد فشارکی، مشهد: مرکز خراسان‌شناسی.
- فردوسی، ابوالقاسم، بی‌تا، *شاهنامه به خط اولیا سمیع شیرازی*. کتابفروشی وصال.
- _____، ۱۹۷۱، *شاهنامه*. به کوشش رستم علی اف و محمّد نوری عثمانف، تهران.
- _____، ۱۳۷۹، *شاهنامه همراه با خمسهٔ نظامی*. با مقدمهٔ دکتر فتح الله مجتبابی، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- _____، ۱۳۸۰، *شاهنامه* (چاپ بمبئی ۱۲۷۶ ه.ق.) با حواشی ملک الشعرا بهار، به کوشش علی میر انصاری، تهران: اشتاد.
- _____، ۱۳۷۴، *شاهنامه* (بر اساس چاپ مسکو). به کوشش دکتر سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- _____، ۱۳۸۶ الف، *شاهنامه*. تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- _____، ۱۳۸۶ ب، *شاهنامه*. به کوشش مهدی قریب، تهران: دوستان.
- _____، ۱۳۸۷، *شاهنامه*. ویرایش فریدون جنیدی، تهران: نشر بلخ.
- _____، ۱۳۸۹، *شاهنامه* (نسخه برگردان از روی نسخهٔ کتابت اواخر سدهٔ هفتم و اوایل سدهٔ هشتم هجری قمری، کتابخانهٔ شرقی وابسته به دانشگاه سن ژوزف بیروت، شمارهٔ 43 NC). به کوشش ایرج افشار، محمود امیدسالار، نادر مطلبی کاشانی، تهران: طلا یه.
- _____، ۱۳۹۱، *شاهنامه*. به تصحیح و اهتمام محمّد نوری عثمانوف و رستم موسی علی اف، زیر نظر مهدی قریب، تهران: سروش با همکاری دانشگاه خاورشناسی مسکو.
- مجموعهٔ لطایف و سفینهٔ ظرایف (کتابت ۷۶۲-۸۰۴ ه.ق.) عکس نسخهٔ شمارهٔ Or 4110 موزهٔ بریتانیا.
- مستوفی، حمدالله، ۱۳۷۷، *ظفرنامه به انضمام شاهنامه* (چاپ عکسی از روی نسخهٔ خطی مورخ ۸۰۷ هجری در کتابخانهٔ بریتانیا، Or 2833).
- تهران و وین: مرکز نشر دانشگاهی و آکادمی علوم اتریش.
- نظامی، نظام الدین، ۱۳۸۷، *خمسه* (بر اساس چاپ مسکو-باکو). چاپ دوم، تهران: هرمس.
- نظامی عروضی، ۱۳۸۳، *چهار مقاله*. تصحیح علامه محمّد قزوینی، به اهتمام دکتر محمّد معین، چاپ پنجم، تهران: جامی.
- همایون فرّخ، رکن الدین، ۱۳۷۷، *شاهنامه و فردوسی*. تهران: اساطیر.